

شهید غلامرضا پینو



از بشارت علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	رستم
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۳/۰۱/۳۰
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	جائینک

زندگینامه

با درود به امام امت و با سلام به همه رزمندگان اسلام در جبهه های حق و سلام به تمامی شهدای اسلام و به ویژه شهدای جنگ تحمیلی و سلام بر اسرا و مفقودین و معلولین .

بعد به مختصری از زندگی نامه شهید غلامرضا پینو می پردازیم او در اوایل بهار سال یک هزار و سیصد و چهل و دو و در آن روزهایی که امام امت رهبر آگاه علیه نظام ستم شاهی پهلوی مبارزات خود را ادامه می داد تا میلیونها مسلمان ایران و جهان را از زیر چنگال ابر جنایتکاران شرق و غرب نجات بخشد . غلامرضا در خانواده فقیر مذهبی در جآئینگ تنگستان بعنوان یکی از سربازان امام زمان (عج) چشم به جهان گشود در سنین کودکی تعالیم اسلامی از کانون گرم خانواده آموخت و در شش سالگی در کلاس اول دبستان شهید رجائی جآئینگ ثبت نام نمود . و مشغول تحصیل گردید و پس از اتمام دوره ابتدائی جهت ادامه تحصیل در مدرسه راهنمائی تحصیلی دلوار ثبت نام کرد متأسفانه بعلت وضعیت زندگی ، موفق به ادامه تحصیل نگردید و تحصیلات خود را برای همیشه رها کرد و برای یاری رساندن به پدر و مادر خود مشغول فعالیت گردید . شهید غلامرضا پینو در سال ۵۷ همراه با برادران خود در براندازی حکومت پهلوی سهمی بسزا داشت و در راهپیمایی ها و تظاهرات ضد شاهی شرکت داشت از نظر اخلاقی جوانی کوچک نفس بود و به همه مردم احترام میگذاشت تا موعد سربازی فرا رسید و عاشقانه لباس پر افتخار و مقدس سربازی جهت حفاظت از بدست آورده های انقلاب اسلامی بتن کرد و پس از سه ماه دوره آموزشی رهسپار جبهه های جنگ گردید و در لشکر ۲۱ حمزه نبرد خویش را با کافران بعثی آغاز نمود شهید بزرگوار غلامرضا پینو در حمله والفجر در جبهه زبیدات قهرمانانه شرکت جست و در عملیات خیبر نیز با رشادت و ایثار و از خود گذشتگی شرکت کرد و بعنوان راننده بلدوزر نهایت فعالیت خویش را در جهت پیشبرد حرکت قوای اسلام مینمود آخرین مرخصی که آمد ۲۴/۱/۶۲ بود که پس از ۴۸ ساعت دیدار با خانواده عازم جبهه گردید و در تاریخ ۲۷/۱/۶۲ در یک مأموریت ۲۵ روزه به جزیره مجنون جهت یاری رساندن به دیگر برادران رزمنده فرستاده میشود در این مأموریت شهید غلامرضا پینو پس از ۴ روز نبرد در جزیره مجنون پس از ۲۰ ماه خدمت مقدس که ۱۷ ماه آن در خط مقدم جبهه بود در تاریخ ۳۰/۱/۷۲ شربت شیرین شهادت را مینوشد و با جمع یاران و به لقاءالله پیوست . روحش شاد والسلام .

وصیت نامه

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احيا عند ربهم يرزقون

مپندارید آنها که در راه خدا کشته شده اند مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدای خویش روزی می خورند .

جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد ای جوانان مبادا در رختخواب غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد ای مادران! مبادا از رفتن فرزندانان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی توانید جواب زینب (س) را بدهید که تحمل ۷۲ تن شهید را نمود برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمانها برای تسکین دردهاست و همیشه بیاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید هرگز دشمنان در بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرتهاست در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاق خود را همچنان حفظ کنید اگر فیض شهادت نصیب شد آنان که پیرو خط امامند را نیز متحول سازید و به رحمت الهی نزدیکشان کنید سلام مرا به رهبر عزیز برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد با خداوند پیمان می بندم که در تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین (ع) همراه باشم و سنگر او را خالی نکنم پدر و مادر عزیزم از شما می خواهم که بر من گریه نکنید و ناراحت نباشید و بر جنازه من شادی کنید اگر می خواهید گریه کنید برای علی اکبر حسین گریه کنید و از خواهرانم می خواهم که حجاب را رعایت کنند که چادر سیاه شما از خون سرخ من رنگین تر است .

مصاحبه

مصاحبه با خانواده شهید پینو

۱- چه کسی نام او را انتخاب کرد و انگیزه او از این انتخاب چه بود ؟ بی بی رقیه انتخاب کرده و بخاطر اینکه غلام امام رضا باشد .

۲- رفتار و برخوردش با والدین به چه صورت بود ؟ ایشان یک الگو تمام معنا برای خانواده بودند و سرمشق بود با والدین آنچنان خوب برخورد می کرد که نمی توان و صف کرد .

۳- روابطش با همکلاسیها و دوستان به چه صورت بود ؟ در حد تعادل و می دانست با دوستان چگونه برخورد کند و با آنها مهربان بودند و در مشکلات به یاری آنها می رسید .

۴- روحیه اجتماعی او را توصیف کنید ؟ کوچک نفسی و جوانمرد و با مردم رفتار خوب و مهربان داشت .

۵- میزان علاقه و دیدگاه شهید نسبت به امام خمینی و ولایت فقیه را بیان کنید ؟ به ایشان علاقه زیاد داشتند و بخاطر همین در هنگام سربازی به جبهه و خط مقدم رفتند و می گفت باید پیرو خط آنها باشیم .

۶- چه نوع فعالیت سیاسی و انقلابی قبل و بعد از پیروزی انقلاب انجام می داد ؟ در بسیج محل و نگهبانی شب و تظاهرات راهپیمایی شرکت می کرد .

۷- خدمت سربازی را در کجا گذراند و در چه تاریخی شروع و در چه تاریخی پایان یافت ؟ در خدمت سربازی بود به فیض شهادت نائل آمد .

۸- چه مدت خدمت سربازی او در جبهه بود ؟ ۱۷ ماه در خط مقدم جبهه بودند .

۹- اولین بار در چه سنی و چگونه به جبهه رفت ؟ اولین بار برای خدمت سربازی و بخاطر علاقه که به رهبر انقلاب و امام حسین داشت .

۱۰- چگونه و توسط چه کسی از شهادت فرزندان باخبر شدید ؟ توسط بنیاد شهید

۱۱- آیا شهید تشییع جنازه شده است ؟ تاریخ و محل دفن و نام گلزار او را بیان کنید ؟ بله ، بهشت محمد جئینک ، ۳۰/۱/۶۳ ، جئینک

۱۲- هر چه در مورد تشییع و تدفین شهید به یاد دارید بیان کنید ؟ آئروز تمام محل حال و هوای خاصی می داد و آنقدر شلوغ بود و همه بر سر و صورت خود می زدند .

۱۳- شما به عنوان پدر یا مادر شهید چه پیامی ، سخنی با مردم و مسئولین دارید ؟ فقط از مسئولین می

خواهم که به شهدا احترام بگذارند و مردم پیر و آنها باشند چون آنها فدا شدند تا ما راحت در این سرزمین زندگی کنیم .

۱۴- راجع به نحوه رفتار او با پدر و مادر توضیح دهید ؟ ایشان همیشه به پدر کمک می کرد و گوش به حرف پدر بود .

۱۵- انس و علاقه شهید به قرآن و ذکر خدا چگونه بود ؟ همیشه نماز سر وقت و دعا می خواند و با خدا راز و نیاز می کرد .

۱۶- در خصوص مبارزات سیاسی شهید قبل از پیروزی انقلاب توضیح دهید ؟ در بسیج محل شرکت داشت در تظاهرات و راهپیمایی هم شرکت فعالانه داشت .

۱۷- آیا غیر از کتابهای درسی مطالعه دیگری هم داشتند ؟ بله ، فایز دشتستانی ، راز نیاز با خدا ، مناجات و کتابهای انقلابی .

خاطرات

خاطره شهید پینو

یادم می آید به مرخصی آمدم و پس از پایان مرخصی وقتی به جبهه رفتم، مستقیماً به خط رفتم بلکه پشت خط مشغول انتقال وسایل بوسیله قایق نمودم و در همان روزهای نخست در یک صبح طلایی و روشن، متوجه شدم که قایق های فراوانی از نیروهای گردان ما که در یک بیشه زار مستقر بودند به طور خیلی فجیعی و عجیبی دارند به عقب بر می گردانند خیلی سریع متوجه شدم که گردان مورد حمله واقع گردیده و شکست بزرگی متحمل شده اند خیلی زود سراغ از پینو گرفتم ولی دوستان به دروغ برای من گفتند که او هیچ مشکلی ندارد و صحیح و سالم است من به این صحبت ها اعتماد نکردم و خود را به منطقه رساندم آنجا متوجه شدم که چون صبح زود بوده و هواپیماهای دشمن در یک حمله سریع توانستند تلفات سختی به بچه ها ما وارد کنند. شهید پینو که آن شب در آن منطقه مستقر بود مورد اصابت امواج خمپاره گردیده بود و آن طور که بعدها من متوجه شدم سنگی هم به قفسه سینه او خورده بود که باعث شهادت آن عزیز گردید بود بعد از این موضوع مرخصی آمدم و خانواده ام از زود به مرخصی آمدن من تعجب زده شده بودند ولی من جریان را به هیچ کس نگفتم تا اینکه شب پدر پینو به خانه ی ما آمد و جویای حال وی شد من همه چیز را از او پنهان نمودم ولی وقتی که به عنوان برگشتن به خانه خود از خانه ی ما بیرون رفت و بدون اینکه ما متوجه شویم به بالای خانه ی ما می رود و شاهد شنیدن صحبت های من برای خانواده ام می شود من هم وقتی پدر پینو به خانه رفت تمام جریان شهادت آن بزرگوار را به خانواده ام ایراد نمودم و غافل از اینکه پدر وی بالای خانه ی ماست و تمام حرف ها را شنیده است بالاخره من صبح زود به بنیاد شهید بوشهر رفتم ولی متوجه شدم که پدر پینو زودتر از من به آنجا رسیده من با دیدن وی به تمام ماجرا پی بردم و بعد به اتفاق وی به سردخانه واقع در نیروگاه اتمی رفتیم و جسد را شناسایی کردیم و به روستا برای تشییع و دفن بردیم، چیزی که برای من جالب بود صبر و حوصله و ارضای پدر آن شهید بود که چه مردانه و قهرمانانه پیکر بی جان فرزند دلبدش را بدون هیچ گونه گله و شکایت یا ناراحتی تحویل گرفت.

(من - نویسنده کتاب - در این موقع اشک را در چشمان خاطره گو جناب آقای پیشین نمایان می دیدم و صادقانه می گفتم ای کاش ما جای آنها بودیم.) [۱]

فضایل اخلاقی

شهید پینو به ملکوت اعلا پیوست و در جوار شهدای دیگر آرمید امید که خون شهدای گرامی چون مشعل فروزان ما را راهنمایی کنند تا ادمه دهنده راه مقدس آنان باشیم و با حضور در صحنه های مختلف و اطاعت از فرامین

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای ، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران ، به توصیه های شهیدان جامه ی عمل
پیوشانیم .

از ویژگیهای اخلاقی شهید پینو این بود که ایشان همواره نگاهی پر از عاطفه داشت و نسبت به دیگران دلسوز بود .
اگر به اتفاق هم مورد بی مهری قرار می گرفت باز عزت نفس از دست نمی داد و همچنان به چشم مهر و محبت به
دیگران می نگریست . ایشان دارای شخصیتی عجیب بود شناسایی وی را مشکل کرده است زیرا آن قدر کوچک
نفس و فروتن بود که به همه اسلام می کرد چه کوچک و چه بزرگ ، خیلی صاف و ساده لباس می پوشید و با همه
افراد جامعه رابطه ای دوستانه داشت . به والدین خود احترام خاصی قائل بود و هیچگاه مایه آزار و رنخش ایشان
نشد . سرانجام برای استقلال و آزادی کشور لباس رزم پوشیده و عازم میادین نبرد شد . و فرشتگان روح پاک او را
به بهشت خداوند راهنمایی کردند .

خاطره نویس : عبدالرحیم پیشین

به خدمت عموی عزیزم محمدعلی صفرپور

پس از عرض سلام ، سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواهان و خواستارم سلام عرض می کنم باری اگر
چنانچه جویای حال این بنده ، پسر عموی کوچک خودت غلامرضا پینو ، برآمده باشید الحمدلله سلامتی برقرار
است و خدا کنم که شما هم صحیح و سالم باشید . عمو جان چطور جواب نامه احمد مرادی را ندادید ؟

سلمان با مادرش سلام می رسانم سالم با خواهرش سلام می رسانم عبدالحسین با اهل منزل سلام می
رسانم تمامی قوم و خویشان را سلام می رسانم غلامحسین صفرپور را با رفیقان همگی سلام می رسانم

قربان شما غلامرضا پینو

جواب نامه فوری و فوری بدهید

و آن را دست احمد مرادی بدهید

۱۹/۱۰/۶۲

شب ساعت یازده نیم نامه تمام شد



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران